



یادداشت

همه با هم علیه سرکوب خیزش مردمی مبارزه کنیم!

صادق کار



علی خامنه‌ای رهبر مستبد و جنایتکار جمهوری اسلامی، که بلافاصله پس از شروع تظاهرات مردم علیه سه برابر شدن قیمت بنزین فرمان سرکوب اعتراضات مردم را داد، روز چهارشنبه در حالی که سرکوب خونین خیزش سراسری مردم ادامه داشت و شهرهای کشور توسط یگان ویژه سرکوب و پاسداران استبداد و بی عدالتی و اوباش مزدور لباس شخصی قرق شده بود، برای توجیه جنایاتی که به فرمان وی انجام گرفته بود، در صحنه حاضر شد.

رهبر خودکامه و درمانده رژیم، در سخنرانی روز چهارشنبه اش، صدها هزار مردمی را که علیه گرانی، فقر و بیکاری و دیکتاتوری و فساد او و دیگر سرمدمداران حکومت در بیش از ۱۰۰ شهر به اعتراض برخاسته‌اند و خواهان کنار رفتن حکومت از قدرت و سپردن آن به مردم هستند را، متهم به اغتشاگری و وابستگی به کشورهای خارجی و غیره کرد و از کشتار سبعانه صدها نفر که اکثرشان جوانان بیکار محلات فقیر نشین شهرها بودند بیشرمانه حمایت کرد.

سخنان او و اتهاماتی که بر شرکت کنندگان در این خیزش بزرگ مردمی وارد نمود هیچ کدام تازگی نداشت. عین همین اتهامات ناروا و دروغ رهبر خود کامه جمهوری اسلامی و دیگر رهبران حکوت را مردم در رابطه با جنبش‌های سالهای ۸۸، و ۹۶ شنیده بودند. در همه این جنبش‌ها به زعم رهبران حکومت دست خارجی در کار بوده است و میلیون‌ها از مردم شرکت کننده در آنها گویا از زور شکم سیری و بواسطه تحریک "دشمنان" در جنبش‌ها شرکت کرده بودند.

در همان حال که خامنه‌ای مشغول سخنرانی بود تک تیراندازان موجب بگریز وی روباه صفتانه در خیابانها کمین کرده بودند و مشغول شکار جوانان دلیر کشور بودند، اینترنت را قطع کرده بودند، انتشار اخبار اعتراضات مردم توسط رسانه‌ها ممنوع، و همزمان با آن موجی از اتهام ناروا بطور یک طرفه از زبان مسئولان ریز و درشت رژیم از رسانه‌های دولتی کشور علیه معترضین و تخریب آنها در حال پخش بود.

خامنه‌ای در حالی لاف پیروزی می زند و تلاش دارد شکستهای داخلی و خارجی رژیم اش را پیروزی جا بزند، که کشور در بحران های مختلف غوطه ور است. دولت از تامین بودجه‌اش عاجز مانده، ارزش پول کشور به حداقل خود طی ۴۰ سال گذشته رسیده، تورم و گرانی قدرت خرید مردم عادی را سلب نموده، بیش از نیمی از واحدهای تولیدی در تعطیلی و یا رکود هستند، قریب ۸ میلیون نفر بیکار و فاقد درآمد هستند. خیابانها مملو از کودکان خیابانی، زنان تن فروش، و کسانی است که مشغول مشاغل کاذب اند. ۶۰ میلیون از جمعیت کشور برای بقا نیازمند کمک معیشتی هستند، میلیونها نفر دچار سوءتغذیه اند، بالغ بر ۲۰ میلیون نفر حاشیه نشین شده‌اند و سیل مهاجرت تحصیل کردگان به کشورهای "دشمن" همچنان ادامه دارد. با وجود این واقعیات غیر قابل پنهان، کدام یکی از اینها را می شود پیروزی خواند، کس نمی داند؟

اینها در کنار بی عدالتی، ناکارآمدی مسئولین رژیم، فساد ساختاری سیاستهای نئولیبرالستی دولت و بویژه از بین بردن حق و حقوق کارگران و زحمتکشان و اعمال دیکتاتوری عوامل شکل گیری سه جنبش پیاپی و هزاران اعتصاب و اعتراض طی یک دهه



گذشته هستند. جنبش های که برای از میان برداشتن هر یک از آنها چه جنایاتی که صورت نگرفته است. اگر با سرکوب میشد این جنبش ها و مطالباتی را که که آنها را شکل داده اند، از میان برداشت، در آن صورت، بعد از سرکوب جنبش ۸۸ نه جنبش دی ۹۶ و نه خیزش آبان، پیش می آمد. مادامی که این عوامل بجای خود باقی باشند شکل گیری جنبش های دیگر نیز اجتناب ناپذیر است.

خامنه ای از پیروزی های پیاپی بر دشمنان خارجی در حالی صحبت می کند که، تحریم های اقتصادی در حال گسترش هستند، موقعیت و نفوذ حکومت در عراق و لبنان بواسطه شکل گیری جنبش های مردمی عدالت خواهانه در معرض از دست رفتن است. در داخل نیز با موجی از اعتراضات و جنبش های مطالباتی روبروست که هیچ برنامه ای به جزء سرکوب و سانسور برای پاسخ دادن به مطالبات آنها و انداختن فشار مالی سیاستهای ماجراجویانه اش بر دوش مردم ندارد.

جنبش های مردمی را با دروغ و زدن اتهامات مختلف و اعمال خشونت و کشتار شاید بتوان برای مدتی کوتاه از خیابان پس راند، ولی محال است تا زمانی که مطالبات شان بی پاسخ گذاشته شده باشد به آنها پایان داد. بعد از سرکوب هر جنبش، جنبش دیگری جای آن را می گیرد. هرچه شرایط بحرانی تر و فشارها بیشتر باشد بهمان نسبت نیز بازگشت جنبش ها به صحنه سریعتر و گسترده تر صورت می گیرد.

طی ۱۰ سال گذشته خیزش آبان سومین حرکت جنبشی است که شکل می گیرد. فاصله جنبش ۸۸ تا جنبش دی یک دوره ۸ ساله بود. در فاصله بین جنبش ۸۸ که جنبشی عمدتاً محدود به لایحه های متوسط برخوردار جامعه بود، این جنبش در قالب اعتراضات پراکنده ادامه یافت و در اثر سازش اکثر رهبران آن و خیانت دارودسته روحانی و تجربیات مبارزاتی مردم به جنبش دی فرا روئید و با کیفیتی متفاوت و مطالبات رادیکالتر از جنبش ۸۸ به صحنه بازگشت. جنبش ۹۶ نیز به شدت سرکوب شد، ولی در قالب اعتراضات گروه های اجتماعی مختلف مترقی و عدالت خواه بویژه اعتراضات کارگران، معلمان و دانشجویان ادامه یافت و پس از دو سال بصورت خیزش کنونی با ترکیبی متنوع تر و رادیکالتر به صحنه بازگشت. این بار نیز شاید حکومت بتواند با سرکوب شدیدتر آن را برای مدتی از خیابان پس براند ولی نه شکست می خورد و نه از حرکت باز می ماند! آنکه در این میان شکست خورده است، همانا خامنه ای و دیگر سرگردانان حکومت و نهادهای حکومتی، امثال، روحانی، رئیسی، لاریجانی و همه کسانی هستند که در سرکوب این خیزش با رهبر مستبدشان همراه شدند و از هیچ تلاشی در این سرکوب فروگذار نکردند.

برخورد روحانی و سخنگوی دولت اش نیز مشابه رهبر رژیم و حتا سخنرانی هایش علیه تظاهر کنندگان بدتر و سخیفتر از خامنه ای بود. روحانی تا آنجا پیش رفت که از رئیسی خواست تا بازداشت شدگان را به سزای اعمالشان برساند و ربیعی برای توجیه کشتار مردم، کارگران معترض در پتروشیمی های عسلویه را به بستن دینامیت به لوله دستگاه ها که گویا به دستور بیگانگان بوده است متهم کرد. این برخوردها در عین حال که نشانه وحشت مسئولان ارشد حکومت است، خبر از نقشه های آنها برای گسترش سرکوبها با جعل اتهامات تازه دارد.

در جریان اعتراضات تعدادی از موسسات دولتی و بانک و حوزه هم به آتش کشیده شد، ولی شواهد روشن حاکی از آن هستند که این گونه اقدامات که همیشه مستمسکی در دست مقامات حکومتی برای سرکوب اعتراضات و جنبشها بوده اند، توسط عوامل نیروهای امنیتی سازمان داده شده اند. روحانی و دیگر مسئولین رژیم این بار نیز از همین مستمسک برای توجیه جنایاتشان بهره گرفتند و مدعی شدند که اگر اعتراضات مسالمت آمیز بود، آنها گویا تظاهر کنندگان را قتل عام نمی کردند! این فریبکاری ها در حالی صورت می گیرد که قبل از آن ما ده ها بار شاهد دخالت سرکوبگرانه نیروهای امنیتی در تجمعات مسالمت آمیزی بوده ایم که در هیچ کدام از آنها نه جایی به آتش کشیده شده و نه حتا یک شیشه توسط معترضین شکسته است. آنها همه دروغ می گویند، چون چیز دیگری برای موجه نشان دادن جنایت سعبانه ای که مرتکب می شوند ندارند.

خیزش آبان یک خیزش خود انگیزه، فاقد سازماندهی و رهبری و برخاسته از میان مردم فقیر و جوانانی است که هیچ آینده ای با وجود حکومت فقه ها برای خود نمی بینند. با این اوصاف اما این خیزش از طرف گروه های از طبقه متوسط، کسبه و جنبش های مختلف اجتماعی حمایت می شود. ریشه در مطالبات و نارضایتی و اعتصابات، زحمتکشان و تهی دستان دارد و از نیروی آنها قدرت می گیرد. از خصوصیات دیگر این خیزش حضور نسل سومی های بعد از انقلاب در آن است که به دلیل نارضایتی شدیدی که از رژیم در همه زمینه ها دارند و نگران آینده خودشان هستند، بسیار رادیکال تر و جسورتر از نسل دومی ها هستند. این تنوع همگون و خصوصیات، کار سرکوب این خیزش توسط حکومت را بسیار دشوار می کند.

گرانی بنزین بی تردید موجب افزایش جهشی قیمتها و سقوط بیشتر قدرت خرید مردم خواهد شد و به اعتراضات و اعتصابات دامن خواهد زد. هرچه این اعتصابات و اعتراضات جمعی تر و هماهنگ تر انجام شوند و بتوانند حمایت گروه های اجتماعی وسیعتری از جامعه را کسب کنند، امکان بیشتری برای رسیدن کارگران و مردم به خواسته هایشان بوجود می آید و سرکوب خیزش برای حکومت دشوارتر می شود. رهبران و فعالان جنبش کارگری حال که خامنه ای به اعتراضات و جنبش ما به مانند دشمن برخورد می کند و سرکوب زحمتکشان را پیروزی خودش می داند، لازم است به شکل مقتضی از خیزش مردمی و شرکت کنندگان در آن که از طرف رژیم زیر شدیدترین فشار های قرار دارد حمایت کنند و کارگران را نیز تشویق به این کار کنند. اعتراضات کارگری در صورتی که با خیزش کنونی پیوند کافی و منسجم برقرار کنند و هم به آن نیرو بدهند و هم از آن نیرو بگیرند، می توانند پیروز شوند. از امکاناتی که خیزش ایجاد نموده برای گسترش اعتصابات و جهت دادن اعتصابات پراکنده بسوی



اعتصابات جمعی تر فرا کارخانه‌ای باید بهره گرفت. اعتصابات پراکنده در شرایطی که ما با یک رژیم به شدت ضد کارگری و سرکوبگر مواجه ایم ما را به مطالبات مان نمی رساند. می توان اعتصابات فرا کارخانه‌ای را حول مطالبات مشترک، مانند خواست لغو قراردادهای موقت، اجرای قانون کار در شرکتهای پیمانکار، افزایش دستمزد، پرداخت منظم و به موقع دستمزد و حقوق بازنشستگی، همسان سازی حقوق بازنشستگان، پرداخت بدهی های دولت به تامین اجتماعی، ایمن سازی محل های کار و موارد مشابه که معضلات عمومی کارگران هستند سازمان داد. نوع دیگری از اعتصابات فراکارخانه‌ای، اعتصابات مشترک در یک رشته حرفه‌ای است. بعنوان مثال اعتصاب در پتروشیمی ها، صنایع فولاد، خودرو سازی و غیره است که کارکنان شان خواسته های حرفه‌ای مخصوص به خودشان را دارند. حتا در کشورهایی که اتحادیه های کارگری نیرومندی دارند، کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان بطور جمعی در سطح کشوری تصمیم می گیرند و عمل می کنند.

همه ما وظیفه داریم به هر شکل و با هر امکانی که در اختیار داریم مانع سرکوب این خیزش توسط جنایتکاران حاکم شویم. علیه کشتار و سرکوب و زندانی کردن مردمی که در اعتراضات علیه گرانی بنزین دستگیر شده‌اند، برای آزادی بازداشت شدگان و درمان مجروحین همه مردم باید اعتراض و تلاش کنند. اگر اعتراضات زیاد و گسترده باشد رژیم قادر به سرکوب آنها نیست. راه مقابله با سرکوب، فساد، بی عدالتی و دیکتاتوری گسترش همزمان اعتراضات در شهر ها و مناطق و موسسات مختلف است.

اعتصاب سراسری بازاریان و کسبه
شنبه و یکشنبه
نهم و دهم آذرماه
مغازه ها را خواهیم بست

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) با توجه به نیازهای این لحظات خطر
همه ی مبارزان آزادیخواه باورمند به حق حاکمیت مردم را به
اشتراک عمل مبارزاتی فرا می خواند. تنها راه موثر کمک به
تداوم جنبش در جهت تغییر توازن قوا به نفع گذار
از جمهوری اسلامی، حضور اپوزوسیونی متحد
یا دست کم هم سو در سپهر سیاسی کشور است
از متن فراخوان هیات سیاسی و اجرایی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

گروه کار کارگری حزب چپ ایران
(فدائیان خلق)

استراتژیهای اتحادیه های کارگری معطوف به کار نامتعارف- بخش هفتم

اما سروینو

مرکز اسپانیایی مطالعات تخصصی در علوم اجتماعی



۲. استراتژی اتحادیه ها نسبت به کارگران نامتعارف: یک چارچوب تحلیلی

در این بخش به این سوال مرکزی می پردازیم که استراتژیهای اتحادیه ها نسبت به کارگران متعارف چیست. هدف از این بخش از نوشته ارائه چارچوبی برای تحلیل این استراتژیهاست. پیش از آن که به متغیرهایی بپردازیم که به مهم ترین متغیرها برای استوار کردن هر استراتژی اند، ابتدا سه نوع مفروض استراتژی را معرفی می کنیم.

• انواع استراتژیها

۱. استراتژی فراگیر

در این حالت، استراتژی اتحادیه های کارگری متوجه دفاع از منافع کارگران نامتعارف با همان وسعت و قوتی است که از منافع پایگاه سنتی شان دفاع می کنند. بنابراین سیاستهای این دست از اتحادیه ها اهمیت واحدی را برای این دو گروه کارگران قائل می شود و دفاع از رفاه عمومی طبقه کارگر مقدم بر منافع کوتاه مدت کارگران متعارف قرار می گیرد. به علاوه در زمان بحرانهای اقتصادی، این اتحادیه ها آماده اند تا کاهش امتیازات پایگاه های سنتی شان را به نفع کارگران نامتعارف بپذیرند.

۲. استراتژی نیمه فراگیر

در این حالت دفاع از کارگران نامتعارف جایی ثانوی در سیاستهای اتحادیه را اشغال می کند و اولویت اصلی اتحادیه دفاع از منافع پایگاه سنتی آن خواهد بود. دفاع از منافع کارگران نامتعارف شامل همه موارد نخواهد شد بلکه به موضوعات مشخصی محدود خواهد شد.

۳. استراتژی بسته

در این حالت دفاع از منافع کارگران نامتعارف منتفی است یا حداکثر این که در سیاستهای اتحادیه یک جای فرعی دست چندم را اشغال می کند.

چه چیز تدوین این یا آن استراتژی را توسط یک اتحادیه توضیح می دهد؟ من معتقدم که استراتژی اتحادیه های کارگری از یک طرف به مشوقهائی که آنها می توانند به کارگران نامتعارف عرضه کنند، و از طرف دیگر به بافتارهای نهادی و سازمانی آنها بستگی دارد. تحلیل استراتژی اتحادیه ها باید همزمان این هر دو عامل را در نظر گیرد. در غیر این صورت تحلیل ناقصی از کار در خواهد آمد. بنابراین این وضع می تواند پیش آید که اتحادیه ای، علیرغم داشتن مشوقهائی لازم برای دفاع از منافع کارگران نامتعارف، اما به دلیل فقدان بافتارهای نهادی و سازمانی مختص به آن، قادر به چنین اقدامی نباشد؛ یا برعکس، علیرغم وجود بافتارهای مناسب، به دلیل فقدان مشوقهائی لازم، از حرکت بازماند.

پس حالا می توان پرسید: "تحت چه شرایطی ممکن است اتحادیه ای به نمایندگی کردن از کارگران نامتعارف علاقه مند باشد؟ کدام عوامل مشوقه ها را برای نمایندگی این گروه از کارگران توسط اتحادیه ها تقویت یا تضعیف می کنند؟" نیز این سوال: "کدام عوامل نهادی و سازمانی اتحادیه ها را در سمبگیری آنها در قبال کارگران نامتعارف تحت تأثیر قرار می دهند؟"



- مشوقها برای نمایندگی کردن کارگران نامتعارف

کارهای تحقیقاتی بسیاری بر این گزاره پا می‌فشارند که سیاستهای اتحادیه‌های کارگری منحصرأ در راستای دفاع از منافع اعضای آنها، و نه هیچ گروه دیگری از کارگران، سمتگیری می‌کنند. اما این گزاره نکتأ ساده‌ای را در نظر نمی‌گیرد و آن این که ممکن است رهبران یک اتحادیه علایق دیگری جز دفاع انحصاری از منافع اعضای آن داشته باشند؛ علایقی که می‌توانند ایدئولوژیک یا سازمانی باشند.

هدف اعلام شده اتحادیه‌های "طبقه بنیان" دفاع از منافع کل طبقه است. بنابراین الزام وفاداری به این هدف ایدئولوژیک می‌تواند مشوق مهمی برای اتحادیه‌ها در دفاع از کارگران نامتعارف باشد. به عبارت دیگر قصور در این امر را عدول از یکی از اصول پایه‌ای شان تلقی کنند.

به علاوه اتحادیه‌ها در پی گسترش و استحکام سازمان شان نیز هستند. بنابراین علاقه بیشتری به نمایندگی کردن از کارگران نامتعارف نشان خواهند داد این نمایندگی به تقویت آنها یا دستکم ممانعت از کاهش قدرت شان بیانجامد. این کیفیت می‌تواند بروز کند اگر (۱) تعداد کارگران نامتعارف که به حمایت از اتحادیه برخوانند خواست به کفایت زیاد باشد؛ (۲) باوجود شمار نسبتاً کم کارگران نامتعارف، حمایت آنان از یک اتحادیه موجب امتیازاتی برای آن اتحادیه در رقابت با دیه‌های رقیب گردد؛ (۳) گارگران مورد نظر چالشی برای نقش‌ایفا شده توسط اتحادیه در یک صنعت معین باشند؛ (۴) اگر چشم‌پوشی از این کارگران اتحادیه را با تهدید ترک حمایت یا عضویت بخشی از اعضای آن، و مشخصأ ایدئولوژیک‌ترین اعضای آن، روبرو کند.



همه با هم از حقوق سندیکایی و از مبارزات و مطالبات کارگران دفاع کنیم!

ایالات متحده آمریکا؛ در کنار معترضین یا حامی جمهوری اسلامی مراد رضایی



مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در یک کنفرانس خبری که دو روز پیش برگزار شد، در واکنش به اعتراضات در ایران گفت «ایالات متحده اعتراضات جاری در ایران را به دقت زیر نظر دارد. آمریکا هرگونه اقدامات خشونت‌بار رژیم ایران علیه مردم این کشور را به شدت محکوم می‌کند و از گزارش‌های دریافتی مبنی بر کشته شدن چندین نفر به شدت نگران است.»

وی همچنین اضافه کرد «وقتی رژیم ایران شروع به احترام گذاشتن به حقوق اساسی کرده و وضعیت انقلابی‌گری خود را کنار بگذارد و سیاست خارجی برهم زننده اش در منطقه را متوقف کرده و مثل یک کشور عادی رفتار کند، آن وقت مردم ایران شرایط بهتری خواهند داشت. این انتخاب به طور واضح در اختیار رژیم است.»

این اولین واکنش نیمه رسمی ایالات متحده آمریکا، در مورد اعتراضات در ایران و سرکوب شدید معترضین است. در واقع دولت آمریکا، پنج روز پس از آغاز اعتراضات در ایران، یک موضع بسیار سطحی می‌گیرد و مایک پمپئو دوباره یادآور می‌شود خواست نهایی دولت ترامپ، عادی سازی رفتار بین‌المللی جمهوری اسلامی است.

تمام ادعاهای رسانه‌های جمهوری اسلامی، در زمینه حمایت آمریکا از اعتراضات مردم ایران را از ذهن خود دور بریزید تا با رجوع به واقعیت‌ها، به یک تصویر روشن و حقیقی برسیم.

به ده سال قبل بر می‌گردیم. زمانی که اعتراضات سال 88 به نتایج انتخابات آغاز شده بود. در آن زمان دولت باراک اوباما، که به حمایت از جمهوری اسلامی متهم می‌شود روی کار بود. بیست و دوم خرداد ماه انتخابات برگزار می‌شود. ظهر روز بیست و سوم خرداد نتایج انتخابات اعلام می‌شود و از عصر آن روز اعتراضات مردمی، عموماً در تهران به نتایج انتخابات آغاز می‌شود. کمتر از یک روز پس از آغاز اعتراضات، و در صبح روز بیست و چهار خرداد، ایالات متحده آمریکا، از زبان جو بایدن، معاون ریاست جمهوری آمریکا، اعلام می‌کند نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران را به رسمیت نمی‌شناسد و از معترضین حمایت می‌کند. دولت‌های اروپایی نیز همان روز اعلام می‌کنند تا روشن شدن وضعیت انتخابات، ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد را به رسمیت نخواهند شناخت.

سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشری نیز در همان روزها و ساعت‌های ابتدایی از خواسته‌های معترضین حمایت کردند. کاخ سفید، دولت‌های اروپایی، سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر از همان ساعت‌ها و روزهای ابتدایی، اعلام کردند از مردم معترض و خواسته‌های آنها حمایت می‌کنند.

توجه کنید که ما در حال مقایسه‌ی دو مورد مشخص هستیم. در سال هشتاد و هشت، اعتراضات به طور مشخص در تهران و چند شهر بزرگ روی داده بود، اما در سال 98 در همان روزهای آغازین اعتراضات، مردم در بیش از پنجاه شهر با اعتراضات همراه شدند. در سال هشتاد و هشت دولت باراک اوباما، که همواره گفته می‌شود همدلی بیشتری با جمهوری اسلامی داشته است بر روی کار بود. اما در سال 98 دولت جمهوری خواه دونالد ترامپ، که به عنوان مخالف سر سخت جمهوری اسلامی شناخته می‌شود، حاکم کاخ سفید است!



پس چرا واکنش آمریکا به اعتراضات مردمی ۹۸ ضعیف‌تر بوده است؟

دلیل این امر را باید در ماهیت اعتراضات جستجو کرد. واقعیت این است که آزادسازی قیمت‌ها، افزایش قیمت بنزین و اجرای سیاست‌های نئولیبرال اقتصادی، نسخه‌ی نهادهای اقتصادی بین‌المللی برای جمهوری اسلامی بوده است. سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی، بدون شک از گران شدن بنزین، حتی به قیمت تحت فشار قرار گرفتن مردم ایران خوشنود هستند. امری که به سیاست‌های آمریکا در زمینه‌ی اعتراضات جهت می‌دهد.

برخی تحلیل‌گران طرفدار دولت ترامپ، واکنش ضعیف دولت او به اعتراضات در ایران را به مساله‌ی مطرح شدن استیضاح ترامپ نسبت داده‌اند. تو گویی دولت آمریکا و کاخ سفید یک مجموعه‌ی کوچک پنج شش نفری است که وقتی درگیر یک مساله‌ی داخلی هستند، وقت نمی‌کنند واکنش صحیحی به مسائل خارجی نشان بدهند! چنین تحلیلی، چیزی در حد یک جوک سیاسی است!

باید در نظر داشت، حمایت‌های بین‌المللی از حقوق معترضین، موجب فشار بر جمهوری اسلامی و محدود شدن توان حکومت برای سرکوب می‌شود. همچنین باید توجه کرد که رشد اعتراضات در داخل و برگزاری تجمعات حمایتی ایرانیان خارج از کشور، سبب می‌شود افکار عمومی جهان به سران دولت‌های خود برای حمایت از معترضین ایرانی فشار بیاورند. امری که از روز سه شنبه، تاثیر خود را نشان داد و مقامات آمریکایی و اروپایی، البته با شیبی ملایم، مجبور به اعلام حمایت از معترضین شدند.

نکته‌ی مثبت این اتفاقات این است که واکنش ضعیف غرب به اعتراضات، استقلال اعتراضات از غرب را بیش از پیش روشن می‌کند. مردم ایران با دست خالی نه تنها در مقابل حکومت تا بن دندان مسلح جمهوری اسلامی، که در مقابل قدرت‌های بزرگ تمام جهان ایستاده‌اند و برآیند این اعتراضات، خودباوری، استقلال و نهایتاً خود رهاندگی مردم ایران خواهد بود.

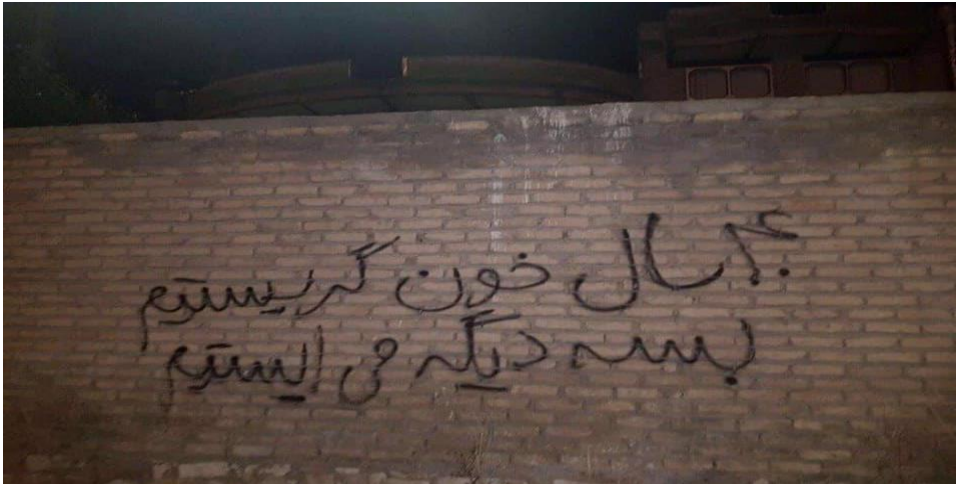


مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را گسترش دهیم!



فشار بیش از این در جامعه قابل تحمل نیست!

علی صمد



توافق سران سه قوه و رهبر نظام بر سر گران کردن بنزین

سران سه قوه در اقدامی ناگهانی قیمت بنزین را به بهانه حمایت معیشتی از مردم در پنجشنبه هفته گذشته افزایش دادند. از روز جمعه ۲۴ آبان با افزایش سه برابری قیمت بنزین، فضای شهرهای ایران در تنشی کم سابقه فرو رفت. سران سه قوه و رهبر جمهوری اسلامی بر سر گران کردن بنزین متفق القول بوده اند. حسن روحانی ادعا می کند که درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین بطور کامل میان ۶۰ میلیون ایرانی (۱۸ میلیون از ۲۵ میلیون خانوار) توزیع خواهد شد. یعنی ۶۰ میلیون ایرانی که بیش از ۷۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند نیازمند کمک های معیشتی هستند. وجود این درصد بزرگ از نیازمندان حکایت از وضعیت بد معیشتی مردم دارد. شش سال از ریاست جمهوری حسن روحانی می گذرد او به مردم آنقدر وعده و قول های پوچ و دروغین داده است که دیگر کسی به صحبت های او باور ندارد.

افزایش قیمت بنزین ظرف دهه ی گذشته

در طی یک دهه گذشته قیمت هر لیتر بنزین در ایران ۳۰ برابر شده است. قیمت بنزین در سال ۱۳۸۶ لیتری ۱۰۰ تومان بود و اکنون به لیتری سه هزار تومان رسیده است. اما با هر افزایش قیمت، نرخ سایر کالاهای ضروری بویژه مواد غذایی هم در ایران افزایش یافته است. افزایش نرخ بنزین همواره بر افزایش تورم در ایران تأثیر داشته است و سهمیه بندی بنزین هم نتوانسته مانع از گران شدن دیگر کالاها در اثر افزایش بهای سوخت شود. سهمیه کردن بنزین نیز در درازمدت مصرف حامل های انرژی را کاهش نداده است. در ایران بنزین یک کالای لوکس نیست که فقط ثروتمندان از آن استفاده کنند. وضعیت معیشت و زندگی روزانه طیف های زیادی از جامعه به قیمت سوخت وابسته است. و نمی شود براحتی و بدون در نظر گرفتن این واقعیت قیمت بنزین را یک شبه سه برابر کرد و انتظار واکنش اعتراضی شمار بزرگی از مردم را که کار و معیشت شان در اثر گرانی به مخاطره می افتد، نداشت.

شروع اعتراضات مدنی با افزایش قیمت بنزین

تبدیل تظاهرات های مدنی در چند شهر از جمعه ۲۴ آبان و ادامه و گسترش اعتراضات در بیش از ۱۲۰ شهر کشور ظرف هفت روز از نظر حجم، اندازه، وسعت، و جمعیت درگیر در آن و نیز خصوصیت افراد و طبقات شرکت کننده نشان می دهد که تنها مساله گرانی بنزین نمی تواند دلیل اصلی گستردگی این اعتراضات باشد و موضوع بسیار جدی تر است. نارضایتی انباشته شده از وضعیت معیشتی در واقع گرانی بنزین عاملی شد برای سر ریز کردن صبر و تحمل مردم و به سرازیر شدن شان به خیابانها و گسترش این اعتراضات در سراسر کشور. مردم علاوه بر فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی همواره زیر سرکوب خشونت آمیز و شدید سیاسی حکومت نیز قرار دارند و بطور روزانه به اشکال گوناگون با آن درگیرند. آنها از همه این فشارها خشمگین اند. بنابراین این اعتراضات به راحتی مهار نخواهند شد.

مردم نه فقط از دولت ورشکسته و ناکارآمد حسن روحانی بلکه از کل نظام ناراضی اند. بخش قابل توجهی از شعارها رهبری نظام و مرکز اصلی قدرت علی خامنه ای را هدف خود قرار داده است. در این دور از اعتراضات چند صد نفر از مردم بشکلی خشونت بار توسط ارگان های امنیتی و انتظامی حکومت کشته شدند و چند هزار نفر زخمی و بیش از دو هزار نفر دیگر دستگیر



و در زندان های مختلف جمهوری اسلامی تحت فشار و آزار و اذیت و شکنجه قرار دارند.

پس از یک هفته سرکوب خشن، علیرغم قطع کردن ارتباطات اینترنتی با جهان خارج، تمامی اخبار رسیده حاکی است که اعتراض ها خاموش نشده اند. حکومت با چنان خشمی از جانب مردم روبروست که به راحتی قادر به سرکوب مردم نیست. کشتار صدها نفر توسط رژیم بر این خشم افزوده و کار سرکوب را بسی دشوارتر نموده است. حکومت تا کنون برای فرو نشان دادن خیزش سراسری مردم هزینه سنگینی متحمل شده است. در این میان تسلیم شدن بدون چک و چانه مجلس پس از سخنرانی خامنه ای به رغم جار و جنجال های اولیه برخی از نمایندگان بخاطر دور زده شدن مجلس، بر فرمایشی بودن آن و تدارکچی بودن دولت روحانی بار دیگر صحنه نهاد و نشان داد نهادهای به اصطلاح "منتخب" ابزارهای بی خاصیت در دست ولی فقیه بیش نیستند.

افزایش عدم اعتماد به حکومت و رادیکال شدن جنبش ها

بیش از دو دهه است که فقر در ایران، تامین حداقل معیشت را برای سه چهارم جمعیت با دشواری مواجه کرده است. در این مدت طبقه متوسط مدام در حال ریزش به سمت طبقات پایین و کارگری رانده شده، فقر، بیکاری، گرانی و تورم، مشکلات تامین معیشت، محرومیت ها، محدودیت ها، تحقیرات، نابرابری ها، تبعیضات، ناامنی و عدم اطمینان از آینده، عامل اصلی اعتراضات در ایران می باشند.

در جمهوری اسلامی هیچ مکانیزم و سازوکاری که مردم بتوانند در حکومت دخالت کنند وجود ندارد و تا وقتی این امکان فراهم نشده باشد شکاف بین حکومت و مردم بیشتر خواهد شد و جنبش های اجتماعی به سمت رادیکال شدن سوق پیدا می کنند.

حق اعتراض در جمهوری اسلامی

این واقعیتی است که در جمهوری اسلامی حق اعتراض به عنوان یکی از حقوق شهروندی به رسمیت شناخته نشده است. در ماده ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی به ظاهر "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است". اما در عمل هیچگاه این اصل قانونی رژیم رعایت نشده است. در هر اکسیون مدنی و اعتراضی مسالمت آمیز در نقاط مختلف ایران، همواره فعالین عرصه های اجتماعی و مدنی دستگیر، زندانی، شکنجه و محکوم به زندان های بلند مدت شده اند.

پس در جمهوری اسلامی حق شهروندی و حق اعتراض مدنی وجود ندارد. رسانه های آزاد، سندیکاها، اتحادیه ها، نهادها و سازمان های فرهنگی و اجتماعی اجازه فعالیت و سازماندهی ندارند. شکل گیری جامعه مدنی در چنین وضعیتی با موانع بسیار همراه است. اعتراضات و ناراضی ها فضای برای بروز ندارند و کانال های لازم و نهادهای ضروری برای این کار تشکیل نشده است؛ بنابراین هر اعتراض اجتماعی در جمهوری اسلامی به عنوان یک نافرمانی مدنی و نقض قوانین و جرم محسوب می شود و فعالین صنفی، مدنی و سیاسی با هزینه های سنگین زندان مواجه می شوند.



فشار بیش از این قابل تحمل نیست

بر کسی پوشیده نیست که تحریم های آمریکا نیز به نوبه خود اقتصاد ایران را در شرایط دشواری قرار داده است. ناکارآمدی دولت و حکومت در عرصه اقتصاد و سیاست بر تداوم و گسترش این بحران افزوده است. مجموعه این فشارها به همراه افزایش تورم عرصه زندگی را بر قشرهای تهی دست و کم درآمد جامعه هر چه بیشتر تنگ کرده است. جامعه ایران به قدر کافی تحت فشار است و فشار بیش از این قابل تحمل نیست. قبلا فقط اقشار ضعیف تحت این فشارها بودند اما مدتهاست که طبقه متوسط هم تحت فشار سنگینی قرار دارد و روز بروز به لحاظ اقتصادی توان آنها ضعیف و ضعیف تر می شود. فشار اقتصادی و معیشتی کم



بخش های بزرگی از مردم را خم کرده است و افزایش مداوم قیمت کالاهای ضروری به ویژه مواد غذایی و سقوط قدرت خرید مردم دم به دم بر این فشار می افزاید. افزایش تورم بیش از همه طبقاتی که در شرایط سیاسی کنونی از قدرت چانه زنی و تاثیرگذاری سیاسی برخوردار نیستند، را تحت فشار شدید قرار داده است.

دولت روحانی و موضوع تامین کمبود بودجه

حسن روحانی در سفر استانی اخیرش به کرمان با اشاره به کاهش شدید درآمدهای نفتی گفته بود که هزینه دولت در سال ۴۵۰ هزار میلیارد تومان است و درآمدهای مالیاتی و گمرکی فقط حدود ۳۰ درصد آن را تامین می کند. و بخش مالیه کشور با یک حفره ۳۰۰ هزار میلیاردی مواجه خواهد بود. جالب است حسن روحانی و بیژن زنگنه، وزیر نفت، در انتقاد از دولت محمود احمدی نژاد، گفته بودند که "بنزین دو نرخی موجب فساد می شود، اما امروز خود این دولتمردان جمهوری اسلامی به همان سیاست دوران احمدی نژاد روی آورده اند.

بسیاری از کارشناسان و فعالین مدنی و سیاسی بر این اعتقادند که به غیر از افزایش حامل های انرژی می توان از امکانات دیگری برای تامین کمبود بودجه دولتی استفاده کرد. مثلاً "حذف هزینه های زاید دولت، کاهش هزینه های تشریفات و حذف برخی فعالیت های حکومتی و نیز مشخصاً حذف بودجه های هنگفت ده ها محافل و نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک که سالانه صدها میلیارد تومان از بودجه عمومی کشور را به خود اختصاص می دهند و هیچ فعالیت مفیدی هم برای جامعه ندارند و مالیاتی هم پرداخت نمی کنند.

افزایش نرخ بنزین و مصرف بیشتر سوخت توسط ثروتمندان

اگر بیاد داشته باشیم در دوره اجرای برنامه "هدفمند سازی یارانه ها" در دولت احمدی نژاد، حذف یارانه و افزایش بهای سوخت به منظور خدمت به نیازمندان مطرح گردید. در آن هنگام هم کاهش و لغو یارانه سوخت و توزیع عواید ناشی از افزایش قیمت بین خانوارهای نیازمند در ابعاد مختلف طرح شد. دلایل مقامات دولتی این بود که افراد ثروتمند سوخت بیشتری مصرف می کنند، پس نفع بیشتری از یارانه های سوخت می برند. بنابراین عادلانه و ضروری است که یارانه ها حذف و عایدی ناشی از افزایش بهای سوخت بین افراد نیازمند توزیع شود همین ادعا را نیز دولت حسن روحانی می کند. با افزایش شدید قیمت بنزین، افزایش نرخ کالاهای اساسی ناگزیر می شود و مشکلات معیشتی و اقتصادی افزایش می یابند. حامل های انرژی مانند بنزین نقش استراتژیک و بسیار تعیین کننده بر اقتصاد دارند. پس از گرانی بنزین، البته فشار معیشتی بر طبقات کم درآمد و متوسط منحصر به گران شدن رفت و آمد نیست، همه عرصه ها را تحت تاثیر قرار می دهد.



افزایش نرخ بنزین و رشد هزینه ها

هزینه استفاده از ماشین شخصی با گران شدن بنزین افزایش می یابد. با افزایش قیمت سوخت هزینه استفاده از وسایل نقلیه عمومی نیز بالا می رود. این افزایش با شتاب در کرایه ماشین های شخصی مورد استفاده برای حمل و نقل مسافر و بار اثر می گذارد. بدین ترتیب، هزینه وسایل نقلیه عمومی که مورد استفاده طبقات کم درآمد است نیز افزایش می یابد و فشار تورمی بیشتری را به این افراد وارد می کند. به این ترتیب، بالا رفتن قیمت بنزین زنجیره ای از افزایش قیمت ها را به جریان می اندازد و بر طیف گسترده ای از عوامل اقتصاد از جمله تولید کالا و خدمات تاثیر می گذارد.



قیمت بنزین ارزان در ایران در قیاس با دیگر کشورها

این واقعیتی است که قیمت بنزین در قیاس با کشورهای دیگر ارزانتر است. برای داشتن تصویری واقعی از ارزانی یا گرانی یک کالای اساسی در اقتصاد کشورها لازم است به قدرت خرید جامعه توجه کرد. در این میان باید دید که حداقل دستمزد کارگران در کشورهایی با شرایط مشابه ایران چقدر است و با آن چند لیتر بنزین می شود خرید؟ در نتیجه گفتن این جمله آشنای ارزان بودن بنزین در ایران، گویای همه واقعیت ها در کشوری مانند ایران نخواهد بود.

آیا اعتراضات وسیع کنونی در ایران رهبری دارند؟

اعتراضات آبان ماه ۹۸ همانند اعتراضات دی ماه ۹۶ خودجوش و خودبخودی بوده است. این جنبش دارای رهبری نیست. این واقعیتی است که هیچ جریانی رهبری آنرا به عهده ندارد. در اعتراضات خودجوش، مردم بدون سازماندهی به خیابان می روند. اگر سازماندهی و رهبری وجود داشته باشد، اعتراضات بسیار گسترده تر، سراسری تر و بهتر مدیریت می شوند. تغییرات هنگامی بوجود می آیند که مشارکت گسترده طبقات و قشرهای مختلف جامعه بوجود آمده باشد، و اعتراضات از سازماندهی و برنامه ریزی مشخص، با اهداف روشن، با رهبری جمعی، و از یک گفتمان مشخص و مشترک برخوردار باشد. در چنین وضعیتی امکان پیروزی جنبش های دموکراتیک مدافع تغییرات اساسی فراهم می شود. زیرا گوناگونی نیروهای تشکیل دهنده این جنبش ها امکان گذار به دموکراسی و آزادی را افزایش می دهد.



اقتشار و طبقات شرکت کننده در اعتراضات

اعتراضات در شهرهای کوچک و بزرگ انجام شده است. طیف شرکت کنندگان فقط به اقشار فقیر و حاشیه ای شهرهای بزرگ محدود نیست. در این سری از اعتراضات جوانان، بیکاران، بخش های قابل توجهی از طبقه متوسط، مردم مناطق ملی- قومی و زنان شرکت داشته اند. جامعه ایران در دو دهه گذشته با ویژگی هایی مانند تغییر نسل جمعیت کشور (جوان شدن)، تغییر سبک زندگی جوانان و اقتشار دیگر جامعه و تغییرات تکنولوژیک مواجه بوده است. حضور این طیف، و دسترسی به امکانات شبکه های اجتماعی، و این دنیایی دیدن زندگی، قدرت سازماندهی و اطلاع رسانی حرکات اعتراضی و را گسترش داده است. اما وجود هزینه های سنگین و انواع مجازات ها گاه فعالیت های آنها را با مشکلات و موانع مواجه می سازد. اما کنجکاوی و امید به زندگی و تغییرات دموکراتیک و مدرن در جهان کنونی، و امروزی بودن باعث می شود نوجوانان و بویژه جوانان از حوزه اطلاع رسانی و اعتراض به وضع موجود عقب نشینند. هنگامی که حرکات مدنی و اجتماعی جنبه نارضایتی در ایران به خود می گیرد، رساندن پیام معترضان و ایفای نقش در اعتراضات مناطق مختلف کشور از جمله کارکردهای مهم شبکه های اجتماعی و تغییرات تکنولوژیک محسوب می شود و جوانان نقش بزرگی در این عرصه ایفا می کنند. همه شواهد نشان می دهند که شبکه های اجتماعی به شکل قابل توجهی آگاهی توده های اجتماعی را بالا برده اند و آنرا به یک عامل تاثیرگذار در تحولات سیاسی تبدیل کرده اند. و همه این موارد، محدودیت های مختلف حکومت را کم تاثیر و بی اثر می کند.

نقش شبکه های اجتماعی در انتشار اخبار اعتراضات

رسانه های اجتماعی علاوه بر نقش رسانه ای خود در فضای مجازی، ظرفیت ساماندهی و سازماندهی حرکت های اجتماعی و



مانورهای خیابانی را در فضای حقیقی دارند. شبکه های اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ و ... از فناوری هایی هستند که امکان تعامل اطلاعاتی و دیدگاه ها را در محیط اینترنت به وجود می آورند. شبکه های اجتماعی در چند ساله اخیر نقش بسزایی در جنبش های مدنی و اجتماعی ایفا کرده اند. شبکه های اجتماعی و ماهواره ای بیش از رسانه های داخل کشور طرفدار داشته و مخاطب بیشتری را به خود جذب کرده اند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی سالهاست که اعتبار خود را از دست داده است. از آنجا که مردم به خصوص بخش های مهمی از نسل جوان کشور که در تحولات اجتماعی نقش برجسته ای دارند و فعالیت های گسترده ای در شبکه های اجتماعی انجام می دهند باعث شده است که بسیاری از سیاستمداران و رهبران احزاب، جنبش ها، انجمن ها و ارگان های مختلف به شبکه های اجتماعی توجه بیشتری نشان دهند و در آن حضور بیشتری داشته باشند.

با شروع اعتراضات اولیه به افزایش بهای بنزین، خبر تظاهرات در شبکه های اجتماعی در سطحی وسیع انتشار یافت. با افزایش اعتراضات ترافیک اینترنت به شدت در شهرهای مختلف کشور کاهش یافت. نت بلاکس که سرعت اینترنت در سراسر دنیا را رصد می کند همزمان با آغاز اعتراضات مردم به افزایش نرخ بنزین، گزارش داده که در تهران، مشهد و شیراز و با ادامه آن در بسیاری از شهرهای دیگر سرعت اینترنت بعد از اعتراضات شهرهای ایران علیه گرانی بنزین دچار اختلال شده و در این میان نیز سرعت اینترنت به شدت کاهش پیدا کرده است. در اعتراضات روزهای اخیر و اعتراضات گذشته در ایران اینترنت و شبکه های اجتماعی مهمترین راه تماس، هماهنگی، خبر رسانی و انتشار ویدئوهای اعتراضی توسط مردم را داشته است. به علاوه واقعیت این است که تلفن های هوشمند و شبکه های اجتماعی، صدا و نظر همه را براحتی انتشار می دهند. و به راه انداختن حرکت های اعتراضی را بسیار آسان کرده اند. این نوع اعتراضات شبکه ای از قابلیت رشد بسیار سریعی برخوردار هستند. و با تکنولوژی های جدید هر یا پست های آنلاین بلافاصله تا صدای اعتراض شان را به شبکه های اجتماعی همین ماه ۹۶ و اعتراضات اخیر بازی



خواست مهم در این نوشته

دستگیری های معترضین خیزش اعتراضی ظرف هفت روز گذشته بسیار زیاد بوده است و همچنان بازداشت شهروندان و فعالین مدنی و اجتماعی ادامه دارد. باید ما با هم و مشترکاً بدون گذاشتن مرزهای کاذب، یک دل و یک زبان علیه محکومیت زندان برای معترضین بازداشت شده روزهای اخیر و همه فعالین محیط زیست، کارگری، دانشجویی، اجتماعی و ... اقدامات مشترکمان را سازمان دهیم. اقداماتی مانند برگزاری تجمعات و حرکات های حمایتی، گردآوری طومار در دفاع از بازداشت شدگان و دفاع از حقوق فردی، مدنی و شهروندی آنان انجام گیرد. ما باید با مراجعه به ارگان های بین المللی و حقوق بشری، ضمن حمایت از مطالبات آنان در جامعه، خواهان غیرامنیتی شدن فعالیت در اعتراضات مسالمت آمیز در ایران، بازتاب وسیع وضعیت بازداشت شدگان در زندانهای مختلف کشور و دیگر ابتکارات و فعالیت هایی که بتواند فشارها به مسئولین جمهوری اسلامی را افزایش دهد و از این طریق امکان آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان خیزش اعتراضی را فراهم کند انجام دهیم.

22 نوامبر 2019

**همه با هم به حمایت از بازداشت شدگان و خانواده های جان باختگان
خیزش سراسری برخیزیم!**



گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (1)" - بخش دوازدهم

فهم نقشه راه - تقویت دموکراسی در ساختار درونی اتحادیه

تامارا گاسی

ترجمه گودرز



و سرعت بخشیدن به تغییر از طریق جنبش های چند مقطعی و ائتلاف های راهبردی انتشار نقشه راه
جهان نظاره گر است

نمونه ایسلند

یکی از بزرگترین موفقیت های مبارزه برای عدالت و برابری در دهه های اخیر در ایسلند اتفاق افتاد. در اول ژانویه 2018 ایسلند اولین کشور جهان بود که بطور قانونی برابری حقوق و دستمزد برای کار برابر مردان و زنان را به اجرا گذاشت. با وجودی که ایسلند قوانینی در باره الزام به اجرای قانون برابری دستمزد جنسیت های مختلف از سال 1961 داشته است ولی هنوز هم زنان بطور متوسط 14 تا 20 درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می کردند. حالا با قانون جدید برابری دستمزد کمپانی ها و سازمان های مشابه با 25 یا بیشتر کارمند موظف به اجرای قانون هستند و تحت کنترل و بازرسی و دریافت گواهی تبعیت از قانون هستند که هر سه سال یکبار باید تجدید شود.

ماریا تراستودیر مشاور برابری و عدالت جنسیتی در کنفدراسیون کارگران ایسلندیک (ASI) یکی از شخصیت های کلیدی در این روند شناخته می شود و تاکید می کند که این قانون یکی از اولین موفقیت های گفتمان اجتماعی در جهان است: "حالا سال 2018 است و جهان از خود می پرسد "وای ایسلند! شما این قانون را تصویب کردید؟ اما این یک تجربه ده دوازده ساله است که در واقع در سال 2006 آغاز شد که ما یک رشد اقتصادی را در آن زمان به کمک بانکها تجربه می کردیم. همه در آن زمان حقوق های خیلی بالا می گرفتند، اما ما شاهد بودیم که دره فاصله بین حقوق زنان و مردان دائما وسیع تر می شد. ما نتیجه گرفتیم که باید کاری کرد. اولین کار آن بود که توافقی بین اتحادیه کارگران ASI و انجمن کارفرمایان ایسلندیک به عمل آید: در سال 2008 این درک مشترک بدست آمد که گواهینامه ای در تایید برابری جنسیتی اشل حقوقی تهیه شود. در ایسلند که تراکم عضویت در اتحادیه ها به 90% می رسد و سیستم سه جانبه قدرت و توان زیادی دارد، در نتیجه دولت پذیرفت که به قانون برابری جنسیتی دستمزد ها ماده ترمیمی اضافه کند که در آن طرح این گواهینامه شرح داده و به عنوان مسئولیت اتحادیه ها صورت اجرایی پیدا کرد. "در آنجا استاندارد برابری جنسیتی دستمزد ها و طرح گواهینامه مربوط به آن تبیین و مدون شده است."

مسئولین دولتی از وزارتخانه های کار و دارائی و نمایندگان کنفدراسیون کارفرمایان و اتحادیه کارگران ASI توافق کردند تا کمیته استاندارد برابری جنسیتی را به استناد عهدنامه 100 سازمان جهانی کار IGO به وجود آورند که در آن کارفرمایان باید ثابت کنند که به مردان و زنان بر ای کار برابر دستمزد برابر می پردازند. این اولین بار بود که استاندارد را از پایه در ایسلند می نوشتیم و اولین بار در جهان هم بود و به واقع چالش بزرگی بود. آنچه قرار بود در یک سال تهیه شود چهار سال طول کشید و سرانجام در سال 2012 استاندارد عرضه شد و چندین شرکت بزرگ داوطلبانه برای گواهینامه فوق ثبت نام کردند.

تراوسدوتیر می پذیرد که او نیز مانند دیگران از این که استاندارد به یک قانون لازم الاجرا تبدیل شد به شدت شگفت زده بود: "حقیقتا وقتی که ما این سفر را آغاز کردیم به هیچ روی باور نداشتیم که به واقعیت تبدیل شود. بحث در بین شرکای اجتماعی بر این پایه استوار بود که این یک استاندارد داوطلبانه خواهد بود مانند ISO9001، استاندارد بین المللی که برای مدیریت کیفیت تولید بکار می رود، و یا ISO140001، که برای مدیریت تعهد به محیط زیست در کار دلالت دارد. من مطمئنم که اگر کارفرمایان فکر



می کردند این استاندارد به قانون تبدیل خواهد شد با آن موافقت نمی کردند. "تراستودیر می نویسد: "کارفرمایان به سمت هیچ قانون و مقرراتی تمایل نداشتند، اما در آخر پذیرفتند که به اتحادیه ها بپیوندند و در اجرای بهتر استاندارد همکاری کنند."

در عمل، متمم "ماده 19 قانون موقعیت برابر و دستمزد برابر برای زنان و مردان" به این دلیل به واقعیت پیوست که تمام شرکای اجتماعی در آن مشارکت داشته و به رسیدن به برابری دستمزد و حقوق بین زنان و مردان تعهد داشتند، حتی اگر لازم بود که پول شان را برای اعتبار دادن به حرف شان خرج کنند. "در ASI، ما به این نتیجه رسیدیم که ما، اتحادیه ها، مسئول هستیم وقتی که این پیشنهاد را در قرارداد جمعی روی میز می گذاریم، اثر خوبی بر بازار کار داشته باشد. دولت نصف آن را تعهد خواهد داد و کارفرما و اتحادیه ها هم هریک یک چهارم را به عهده خواهند گرفت." سوال این بود که بازار کار چگونه آن را اجرا خواهد کرد و چه کنترلی برای بازار عمومی کارگران خواهد بود. کارفرمایان بازار کار جزئی چگونه گواهینامه مربوطه را دریافت خواهند کرد؟

تراستودیر می نویسد که او و اتحادیه مسئولیت زیادی احساس می کنند و مصمم هستند که "قانون برابری دستمزد زنان و مردان برای کار برابر" موفقیت داشته باشد و سیستم آزمون و صدور گواهینامه مربوطه نیز ادامه یابد. وی ادامه می دهد "همراه با دولت و کارفرمایان، این پروژه مانند بچه ماست." چالش های زیادی بر سر راه هست، به ویژه اگر سیستم کنترل و آزمون نتواند به تمام مراکز کسب و کار در ایسلند پاسخگو باشد. در نتیجه ما باید بر این موانع فائق آییم. اما جهان ما را نظاره می کند و همه کسانی که در گیر این روند بودند دقت فراوان می کردند که همه چیز به بهترین وجه انجام شود تا نتیجه نهایی همان چیزی باشد که ما به آن ایمان داشتیم. اگر چنین شود فکر کنم در پنج یا ده سال تمام بازار کار در ایسلند از این آزمایش سر بلند بیرون خواهد آمد و همه چیز تغییر خواهد کرد و عادلانه تر خواهد بود.

قدم بعدی حالا این است که آن را اجرا کنیم. این نیازمند همکاری تمام شرکای اجتماعی است. "بطور مثال، همین که این مصاحبه را تمام کنم باید در جلسه ای با نمایندگان تمام اتحادیه های کارگری ایسلند به شمول کارکنان آموزشی، بخش دولتی، و نمایندگان وزارت کار، و وزارت د ارانی، سندیکای کارفرمایان، و هرکس که در گیر قرارداد های جمعی است، شرکت کنم. دلیل عمده آن است که ما باید درباره تمام جزئیات توافق کنیم.

(1) - گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنعتی ITUC-

https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf

(2) تصویر 1: زنان ایسلند به تفاوت نرخ دستمزد ها اعتراض می کنند



فعالین محیط زیست را آزاد کنید!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



در این هفته با وجود گسیل دهها هزار نفر از نیروهای امنیتی و انتظامی برای سرکوب خیزش سراسری زحمتکشان و کشتار و بازداشت هزاران نفر از مردم شرکت کننده در اعتراضات و جو امنیتی سنگینی که بر کشور حاکم کردند، اعتراضات و اعتصابات کارگری در کنار اعتراضات خیابانی مردم ادامه یافت. ادامه اعتصاب در هفت تپه و بسته شدن درهای کارخانه به روی کارگران، ادامه اعتصاب در آذراب اراک، اعتراض در واحدهای پتروشیمی عسلویه، ادامه اعتراض کارگران کارخانه روغن نباتی جهان، سالگرد تصویب قانون کار، توقف مذاکرات تعیین دستمزد سال ۹۹، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

ادامه اعتصاب در هفت تپه و عدم کامیابی مدیریت مجتمع و مسئولین برای شکستن و بی پاسخ گذاشتن مطالبات اعتصابیون، و گسترش اعتصاب به داخل شهر و نگرانی مالک کارخانه و مسئولین امنیتی و سیاسی شهر از پیامدهای این اعتصاب، موجب بسته شدن درهای کارخانه به روی کارگران به دستور مدیر کارخانه شد. اسد بیگی سهامدار اصلی کارخانه دلیل بسته شدن موقت کارخانه را ادامه اعتصاب اعلام کرده و گفته است تا پایان یافتن اعتصاب، نه دستمزد کارگران را پرداخت می کند و نه کارگران را به کارخانه راه می دهد.

با وجود بسته شدن درهای کارخانه اعتصاب کارگران در بیرون محوطه کارخانه و سطح شهر تا زمان تهیه این گزارش ادامه داشته است.

ادامه اعتصاب در آذراب و بلاتکلیفی در کارخانه هپکو

اعتصاب کارگران آذراب به دلیل عملی نشدن توافقات کارگران با مسئولین دولتی بر سر پرداخت دستمزدهای معوقه و اختصاص تسهیلات مالی جهت راه اندازی کارخانه و بلاتکلیفی وضعیت مالکیت کارخانه همچنان در این هفته نیز ادامه یافت. گفته می شود که مسئولین و نیروهای امنیتی با محصور کردن اعتصاب در محوطه کارخانه مانع گسترش اعتراض کارگران به میان خیابانهای شهر شده اند.

در کارخانه هپکو نیز با وجود تعلیق اعتصاب، به دلیل جواب نگرفتن مطالبات کارگران و تاکید دولت بر واگذاری کارخانه فضای کارخانه ملتهب و نارضایتی کارگران از وضعیت موجود بالاست و صبر کارگران در حال سرریز شدن است.

ادامه اعتراضات در واحدهای پتروشیمی و متهم کردن کارگران به خرابکاری

اعتراضات کارگری واحدهای پتروشیمی در عسلویه به دلیل نارضایتی فزاینده کارگران از شرایط کاری، تبعیض دست مزدی همچنان رو به گسترش است و مقامات دولتی و امنیتی می کوشند با پرونده سازی امنیتی برای کارگرانی که خواهان رعایت قانون کار و رفع تبعیضات مزدی هستند به اعتراضات کارگران با بازداشت و اخراج خاتمه دهند. علی ربیعی سخنگوی امنیتی دولت که سابقه و تجربه ۲۰ ساله در سرکوب کارگران و سازمان های کارگری غیر حکومتی را دارد، اخیرا کارگران یکی از واحدهای پتروشیمی در عسلویه را متهم به جلوگیری از تغییر شیفت و بستن دینامیت به لوله دستگاه ها کرد و گفت: "به ما گفتند برخی اجازه تغییر شیفت در عسلویه را نمی دهند و می خواستند به برخی لوله ها دینامیت ببندند". به نظر می رسد دولت و حکومت که نتوانسته اند با ترفندهای سرکوبگرانه تا کنونی، به اعتصابات فزاینده کارگری خاتمه دهند، در پی ابداع ترفندهای تازه ای برای مقابله با اعتراضات کارگری هستند.

اعتراض کارگران روغن نباتی جهان

اعتراض کارگران روغن نباتی جهان که ماه هاست جریان دارد، در این هفته نیز به دلیل عدم اجرای وعده های مقامات قضایی و مسئولین دولتی به کارگران همچنان ادامه دارد.



حمایت از سرکوب خیزش مردمی به بهانه سالگرد تصویب قانون کار

در تجمع هایی که در ۲۹ آبان بمناسبت سالگرد تصویب قانون کار توسط تشکل دولتی خانه کارگر در برخی شهر ها برگزار شد. حسن صادقی یکی از رهبران این تشکل دولتی، شرکت کنندگان در اعتراضات مردمی علیه گرانی بنزین و دیکتاتوری را متهم به اخلال گری، اغتشاش ... نمود و از این اعتراضات اعلام برائت نمود. در این اجتماعات که در کنار اعتراضات سراسری مردم به تنگ آمده از فقر و بیکاری و فساد و دیکتاتوری تشکیل شده بود، رهبران مزدور خانه کارگر با همان لفظ و ادبیاتی که خامنه‌ای، روحانی، رئیسی، ربیعی و شمخانی مردم را مورد اتهام قرار دادند استفاده، و از کشتار و زندانی کردن هزاران نفر توسط نیروهای سرکوبگر که سرکردگان جنایتکار حکومت فرمان آن را صادر کرده بودند حمایت و سر سپردگی شان به جنایتکاران را با بی شرمی به نمایش گذاشتند. در قطعنامه‌ای که در پایان تجمع های مزدوران حکومتی منتشر شد نیز نوشتند: "امسال در حالی سالروز تصویب قانون کار را گرامی می‌داریم که چندی است اغتشاشات برخی سودجویانی که تحت حمایت کشورهای بیگانه هستند، به سرتیتر اصلی سایت‌های خبری و جراید تبدیل شده است. اغتشاشاتی که جز آسیب‌رسانی به اموال عمومی هیچ حاصلی برای کشور به همراه نداشته است". آنها در عمل بجای اعتراض به عوامل حکومتی که با پامال سازی قانون کار و حقوق سندیکایی کارگران فقر و فلاکت را بر آنان تحمیل نموده‌اند، و حمایت از تظاهر کنندگانی که علیه آنها برخاسته‌اند، از سرکوب و کشتار آنها حمایت کردند.

توقف بررسی تعیین دستمزد سال ۹۹ در شورای عالی کار

علی‌خداایی یکی از نمایندگان تشکل فرمایشی خانه کارگر در شورای عالی کار خبر از توقف جلسات تعیین دستمزد در شورای عالی کار را داد. ظاهراً علت این توقف وعده دولت مبنی بر جلوگیری از افزایش قیمت‌ها پس از افزایش قیمت بنزین بوده است. یعنی اینکه ایشان هم این وعده کاذب را پذیرفته و قبول کرده که قیمت کالاها بعد از سه برابر شدن قیمت بنزین تکان نخواهد خورد! بیائیم فرض کنیم که این وعده درست از کار در آید، در آن صورت تکلیف شکاف دستمزد ۱،۶ میلیونی با ۸ میلیونی سبد هزینه خانوار چه می‌شود؟ یک چنین "نمایندگانی" را اگر کارگران نداشته باشند، صد مرتبه بهتر از داشتن شان نیست؟

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!